



تصویر شماره ۱

جلوه‌هایی از هنر معین مصور

زهره روح فر

سال ۱۰۲۴ ه‍.ق در شهر یزد متولد شد ولی بیشتر عمر خود را در اصفهان گذراند. تاریخ مرگ معین مصور دقیقاً مشخص نیست ولی حدوداً در سال ۱۱۱۵ ه‍.ق وفات یافت. وی از شاگردان رضا عباسی خود سر آمد نقاشان و هنرمندان اصفهان و از پیشتازان مکتب نقاشی اصفهان بود و وی دگرگونی عظیمی در هنر نقاشی پدید آورد. از شاگردان معروف او علاوه بر معین مصور می‌توان از محمد قاسم، محمد یوسف، حیدر نقاش و محمد شفیع نام برد. اما از شاگردانش هیچ یک به اندازه معین مصور به او نزدیک نبودند وی مکتب و شیوه رضا عباسی را بهترین سبک هنری می‌دانست و در حفاظت و پیشرفت آن سعی بسیار نمود. وی هیچ‌گاه از مکتب اصفهان و شیوه رضا عباسی عدول نکرد او به خصوص در شبیه سازی و چهره پردازی استادی ماهر بود و از ویژگیهای موضوعات نقاشی‌های او ارائه مجالس بزم و رزم و شکار است. وی صورت‌ها را به سبک اصفهانی یعنی پرملاحت تصویر می‌کرد. لازم به ذکر است که در مکتب اصفهان که شاید بتوان گفت آخرین مکتب مینیاتور ایران بشمار می‌آید صورت‌ها تا حدودی بیان‌کننده حالات هستند. در این سبک دیگر از چهره‌های مغولی و چینی که تا آن زمان بسیار رایج بود خبری نیست. همچنین در نقاشی‌های معین مصور نقش پرنده به صورت منفرد یا در تزیین پارچه الیسه افراد بسیار نقش شده که وی در به تصویر در آوردن آنها مهارتی از خود نشان داده است. وی در شیوه‌های آبرنگ، سیاه قلم و قلمدان سازی نقاشی می‌کرد و علاوه بر

قرون نهم و یازدهم ه‍.ق هم زمان با حکومت صفوی در ایران (۹۰۵ تا ۱۱۳۵ ه‍.ق) از نظر هنری دارای ویژگی‌هایی است که در هر یک از پدیده‌های هنری این دوران قابل بررسی می‌باشد. از مشخصات بارز این زمان پیدایش روش و سبکی نوین بود که با روش‌های قبل از خود به خصوص دوره ایلخانی و تیموری (قرون هشتم و نهم ه‍.ق) که تحت تأثیر و نزدیکی با هنر چین به وجود آمده بود، آمیخته شد و بیشتر رنگ و بوی ایرانی به خود گرفت. توجه به داستان‌های ملی بیشتر شده و از موضوعات مختلف آن در آثار هنری استفاده گردید.

در دوره صفوی کانون‌های مختلف هنری به وجود آمد که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آنها اصفهان پایتخت شاه عباس اول (۹۹۵ تا ۱۰۳۸ ه‍.ق) بود. در این شهر نقاشان، معماران، خطاطان بافندگان و قالی‌باقان مشغول به کار بودند و این تجمع و به دنبال آن تبادل نظرها باعث نزدیکی بسیاری از هنرها به یکدیگر شد که این خود یکی از شاخص‌های هنر صفویه است. علاوه بر این مکاتب مختلف هنری نیز در این دوره شکل گرفت. در هنر نقاش صفویه دو مکتب عمده به وجود آمد که یکی سبکی بود مبتنی بر روش بهزاد و شاگردانش و دیگر سبک رضا عباسی که همان مکتب اصفهان است. که از جمله مختصات آن رنگ آمیزی با رنگ‌های ساده و مختصر و چهره‌های پرملاحت و چشم‌های خمار و بادامی در ترسیم چهره انسان است.

معین مصور از نقاشان زبردست و ماهر سبک اصفهان بود که در

چنین است:

«تاریخ روز پنجمشنبه پانزدهم شهر ذی الحجه الحرام ۱۰۶۶، به جهت فرزند اعزی آقا زمان مشق شد، مبارک باد، معین مصور. معین مصور نقاشی پر کار بود و در طول زندگانی خود آثار بسیاری بر جای گذاشت.

آقای کریم زاده تبریزی در معرفی شخصیت هنری و آثار معین مصور مطلبی را باقی نگذاشته است. اما غرض از معرفی کوتاه و مختصر معین مصور در این مقاله آشنایی با هنر دیگر این هنرمند یعنی بافندگی و معرفی یک اثر منحصر به فرد از وی است. تاکنون معین مصور به عنوان نقاشی ماهر، با آثار متعدد در مقالات مختلف معرفی شده است.^۴ اما تاکنون هیچ جا به عنوان بافنده معرفی نشده و یا لاقلاً پارچه‌ای که بافت وی باشد، معرفی نشده است، هر چند که در چند نمونه در باب ذکر بافندگان دوره صفوی نامی از معین برده شده مانند: «از بافندگان معروف این زمان (صفویه) می توان از محمد خان و علی و اسمعیل کاشانی و معین نام برد که همه از شهر کاشان هستند.^۵

با این که می دانیم معین مصور در یزد متولد شد و در اصفهان روزگار گذراند بنابراین در اینجا مقصود معین مصور نیست. علاوه بر این در این زمان هنرمندان نقاش و یا بافنده دیگری با نام معین یا معین الدین بوده اند چنانکه آقای کریم زاده تبریزی به معرفی نقاش دیگری که در قرن یازدهم ه ق می زیسته به نام معین الدین پرداخته «معین الدین یکی از نقاشان گمنام قرن یازدهم است... و از وی یک اثر... باقی است.^۶ به هر صورت یکی از ویژگیهای عمده بافندگی دوره صفوی به خصوص در اصفهان نزدیکی هنر نقاشی به پارچه بافی است که البته این نزدیکی از دوره تیموریان (قرن ۹ ه ق) هم زمان با اهمیت و پیشرفت هنر مینیاتور سازی آغاز و در دوره صفوی با تشکیل کانون هنری اصفهان و تجمع هنرمندان در این مرکز بیش از پیش فزونی یافت، به طوری که بسیاری از بافندگان و طراحان پارچه از نقاشان معروف این زمان بودند و آثار بسیار زیبا و نفیس از خود به یادگار گذاشتند. به طور کلی پارچه‌هایی که در دوره صفوی به خصوص در زمان شاه عباس اول

۱۳



سازنده شماره ۱۶

یافته شد شاید در تمام تاریخ هنر نساجی ایران بی نظیر باشد. شاه عباس در اصفهان کارگاه‌های زری بافی و مخمل بافی وابسته به دربار دایر نمود و استادان بافنده زبر دست را در این مرکز گرد آورد و پارچه‌هایی که در این مرکز و همچنین شهرهای یزد، کاشان بافته می شدند با تمام تنوع و گوناگونی در نوع جنس و رنگ و نگاره‌های مختلف تابع دو مکتب بودند. سبکی به رهبری غیاث الدین معروف به غیاث نقشبند که از مشخصات ویژه آن استفاده از طرح‌های کوچک بود که در یک طرح گل با یکدیگر هماهنگی داشتند. غیاث نقشبند اهل یزد بود و علاوه بر بافندگی شعر نیز می سرود، وفات وی در سال ۱۱۰۰ ه ق بود.^۷ وی با این که اهل یزد بود ولی بنا به درخواست شاه عباس کارگاه‌های زری بافی اصفهان را اداره می کرد و پس از مدتی



تصویر شماره ۲

مصور ساختن داستان‌ها و موضوعات مختلف آن در تک چهره سازی نیز استاد بود که در این راه کاملاً از روش و حتی ریزه کاری‌های رضا عباسی پیروی می کرد. آثار نقاشی معین مصور عمدتاً در فاصله سال‌های ۱۰۴۲ تا ۱۱۰۰ ه ق است.^۲

از خصوصیات ویژه نقاشی‌های معین مصور، و نحوه رقم زدن آن است که در هر یک از آنها ذکر روز به ماه و سال شده است. معین مصور قبل از این که لقب مصوری بیاید آثار خود را با اسامی معین و معینا رقم کرده است. در تصاویر شماره ۱ و ۲ دو نمونه از آثار معین مصور با ویژگی رقم آن مشاهده می شود. در تصویر شماره ۱ حد معین مصور چهره استادش رضا عباسی را در حال نقاشی کردن به تصویر در آورده و رقم این اثر معروف چنین است:

«شبهه غفران و رضوان آرامگاهی مرحومی مغفوری استادم رضا مصور عباسی مشهور به رضا عباسی اشعری به تاریخ شهر شوال سنه ۱۰۴۴ ابرنگ گردیده بود که در شهر ذالقعده سنه مذکور از دار فنا به عالم بقا رحلت نمود و این شبیه بعد از ۴۰ سال در شهر رمضان مبارک سنه ۱۰۸۴ حسب الفرموده محمد نصیر به اتمام رساند معین مصور.»

آنچه مسلم است اتمام این اثر در مدت طولانی حدود چهل سال به دلیل تألم شدید معین مصور از مرگ استادش بوده که آن را ناتمام گذاشته و مجدداً شروع کرده است. در ضمن اشعر لقب رضا عباسی بود که به معنای بسیار موی اندام و یا با شعور تر است.^۳

در تصویر شماره ۲ که نام آن «جوان خروس به دست» است رقم



تصویر شماره ۴



تصویر شماره ۳

معین مصور به نام «دو دنداده و خدمتکار» که تاریخ ۱۰۸۱ هـ ق را داراست (تصویر شماره ۴) قابل مقایسه است. صورت‌ها و حالت آنها و زبان و نوع لباس و نوع رقم کردن با در نظر گرفتن این مسأله که نقاشی و بافندگی از نظر تکنیکی دو نوع کار هنری متفاوت هستند، با یکدیگر شباهت کامل دارند و کار یک هنرمند می‌باشند. علاوه بر این همانطور که گفته شد در دوره صفوی هنسرنقاشی و بافندگی به یکدیگر بسیار نزدیک شدند و در دوره دوم هنری این زمان سبکی به رهبری رضا عباسی در امر بافندگی شکل گرفت و بسیاری از نقاشان این دوره طراح و یا بافنده پارچه نیز بوده‌اند و معین مصور که از شاگردان رضا عباسی بوده علاوه بر نقاشی در زمینه بافندگی نیز فعالیت می‌کرده که پارچه مذکور دلیلی بر این مطلب است.

زندگی در اصفهان به زادگاه خود بازگشت^۸ و در این شهر با کمک فرزندان، حسین، عبدالله و معزالدین غیاث زری بافی یزد را تقویت کرد. نام عبدالله بر روی چند قطعه پارچه زری مربوط به قرن یازدهم هـ ق مشاهده می‌شود.^۹ و معزالدین نیز دارای اثری است که در شهر یزد بافته شده و در موزه ویکتوریا و آلبرت موجود است که با طرح‌های اسلیمی و گل‌های شاه عباسی آراسته شده و در داخل گل‌ها نام (ابن غیاث) لقب معزالدین را داده است.^{۱۰}

پانوشتها

مکتب دوم بافندگی در دوره صفوی به رهبری رضا عباسی نقاش معروف شکل گرفت که در واقع همان مکتب نقاشی اصفهان است که یکی از اصول آن در بافندگی استفاده از نقوش و طرح‌های بزرگ است و در خیلی از ریزه کاری‌ها مثل نمایش چهره، نوع لباس و کلاً موضوع شبیه نقاشیهای سبک اصفهان است.

در موزه ملی ایران یک قطعه پارچه با رقم معین موجود است که ثابت می‌کند وی علاوه بر نقاشی به شیوه اصفهانی بافندگی نیز می‌کرده. پارچه مذکور از نوع زری اطلسی^{۱۱} به طول ۶۰ و عرض ۴۶ سانتی‌متر است که دارای حاشیه‌ای از زری دارای گل و بوته دار است. بر زمینه آبی این پارچه با طرح‌های ترنجی متصل به هم نقش شده و درون هر ترنج نقش یک زن که در میان دو درخت نشسته و میز کوچکی جلوی او قرار گرفته، بافته شده است. و در زیر هر ترنج رقم معین مصور به این ترتیب مشاهده می‌شود. «حسب الامر در روز یازدهم شعبان سنه ۱۰۵۱ بانجام رسید معین مصور».

صورت و نوع البسه زنی که بر پارچه بافته شده با یک اثر نقاشی از

۱- لغتنامه دهخدا، ذیل رضا عباسی.

۲- کریم‌زاده تبریزی محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، ج ۳، لندن ۱۳۷۰، ص ۱۱۸۲ تا ۱۱۸۴.

۳- لغتنامه دهخدا، ذیل اشعر.

۴- کریم‌زاده تبریزی، همان کتاب، ذیل نام معین مصور. و Massumeh Farhad, (The art Moim Musavr). five centuries of paintings Editor By sheila R. emby.

۵- بهشتی پور مهدی، تاریخچه نساجی ایران، با مقدمه دکتر باستانی پاریزی، تهران انکونومیست، تهران ۱۳۴۳، ص ۱۶۵.

۶- کریم‌زاده تبریزی همان کتاب ص ۱۱۷۴

۷- لغتنامه دهخدا، ذیل غیاث نقشبند.

۸- زکاد یحیی غیاث، نقشبند هنر و مردم، شماره ۱ آبان ۱۳۴۱، ص ۸

9- A. U. Pop, A Survey of Persian Art, vol XII P 1043, 1044, Oxford University Press.

۱۰- کریم‌زاده تبریزی، همان کتاب، ص ۱۱۷۳.

۱۱- پارچه زری اطلسی بسیار ظریف است، ولی زری دارای بدلیل استفاده از پودهای متعدد ضخیم‌تر از زری اطلسی می‌باشد.